

# طرح نو

## بشر به چیزی فراتر از صلح نیاز دارد

گفت و گو با فتح الله بنی ناز

## الگوهای حکمرانی «کین»

یادداشتی از شروین وکیلی



### تحلیلی از چشم انداز جامعه ایرانی در گفت و گو با مجتبی مهدوی، استاد علوم سیاسی دانشگاه آلبرتا کانادا

# مساله ما میوه ممنوعه نیست ممنوعیت میوه های مجاز است

## چطور از ناامیدی، خیالپردازی و آدرس های غلط خلاص شویم



مسعود فیضی طالبانی  
دبیر گروه طرح نو

بقینا در میان ابروتانی که دل در گرفت، تروت و شهرت نداشته باشند، کسی زانی توان پیدا کرده که میان این امر و دینامی برای ایران چیزی جز سایه افکنند، عدالت، آزادی، احترام و کرامت انسانی بر زندگی مردم باشد. این چهار آرمان هستند که هر دیدار خیر دیگری را در جامعه امروزی سبب می سازند: از حقوق شهروندی گرفته تا دموکراسی را شاید زندگی در سایه این چهار آرمان انسانی و همه پیامدهایش را بتوان زندگی اخلاقی «فلسفه کرد. زندگی اخلاقی اما دشمنان بزرگی دارد که هر همه جامع و در درون و بیرون از گفتمان انسانی مسلط و ناسلط، ادامه حیات می دهند، چه در ساختارهای اجتماعی باشند چه در عملیات اجتماعی. سالیان تومیخ طرح و انجم گفت و گو می خواند و شاید در یک کلام بتوان گفت برای نور نماندن و برفخ جامعه ایران و دشمنان زندگی اخلاقی در این جامعه بوده است. گفت و گو می با دکتر مجتبی مهدوی، استاد علوم سیاسی در دانشگاه آلبرتا کانادا ایده اصلی اینجام این گفت و گو، فقر تحلیلی آشکاری است که جامعه شناسی در ایران از آن رنج می برد، چه آن که تصور این فم، این است که حالا فتن رسیده و رفتن انسان و دانشمندان علوم سیاسی و متفکران انسی، باز جامعه شناسان ایرانی را برپوشی بکشند. آقای مهدوی چه در رشته ها چه در ساختار، یک عفت بیژر دارد و آن شفافیت، صراحت و دقت نظر بالا در تحلیل مسائل است. او بر زیره و شکرتری است که بر خلاف بسیاری از غیره تحلیلگران، سیاست را از جامعه فرهنگ تفکرات و حتی مسائل روشناختی تفکیک نمی کند. خواندن گفت و گو پیش رو این اعزاز به خودی بر این انبانی است. mass.rafi@gmail.com



## جهان بهتر

### آرزوی جهانی که لیخنه و نان به نسای بر مردم تقسیم شود!



جهان بهتر، موضوعی است که در این مجال مورد بحث قرار گرفته است. قرار است تریه و این که «جهان بهتر» چگونه جایی است؟ جیتی آراه کنه، سه افتاد، من، جهان بهتر، جهانی است که انسانها با صلح و آرامش در کنار هم زندگی کنند و لیخنه و نان به نسای همه آدها تقسیم شود. جهان بهتر، جایی است که بچرها به سوسو بهشت باز شوند. دنیایی که انسانها در آن بدون رنج و آذوه روزگار زجر بگردد. این متأسفانه این امکان وجود ندارد.

بشر امروزی با استیهاشت، رنج و آذوه را پذیراست بشر نگاهکار با نگاهش آرامش، دوستی و صلح را از خود دور می کند و اینجاست که دنیای بهتر شکل و شمایل خود را از خود می دهد و معنایش رنگ می یازد. متأسفانه آدمی نفرت را از خود پندیده کرده و باعث شده چنانچه از جنگ و نفاق و خشونت باشد، برخی آدمها کارگزاران ایجاد نفرت است. و این نفرت باعث شده خشونت در جهان حاکم باشد. گذشته بشر امروزی مدحت و عشق است، آدمی از یاد کرده که تا ناسا شقوز و انسان دوست است، آدمی فراموش کرده، نیا به دوست داشته شدن و دوست داشتن را، در هر کد از سا جهانی را برای خود حسوسیت می کند. به هم همدیگر را دوست دارد، همه به هم عاشق می یازد. در جهان بهتر که از ما جایی روی جنگ و خشونت وجود ندارد.

دنیای بهتر هر آدمی بر است از رنگهای شاد با انسانهایی که لیخنه بر لب دارند، جهانی که کودکان کارگزاران خندیدن و بازی کردن است و بزرگها را داشته ایمان لذت می برند. و، ولی چه می شود که همین آدمها در دنیای واقعی، جهانی خاکسپوری می سازند و جای دوست داشتن و عشقورزی را به خونخواهی ها می دهند. به حرم کداس انشاء ما راسین به صلح را در برپای تنگها و غارتها دیده ایم. از چه رویه آدمی وقت سرمایه خود را صرف ساختن میب و اسلحه می کند و بعد هزار ترفند به کار می بندد تا به صلح حقوق بشر و به کام خود، جنگی براندازد تا منافعی تأمین شود!

خودخواهی و طمع آدمها باعث شده تا دنیا، جهانی نباشد و تنها تهااگر خشم، جنگ و برابری ها میسود آدم برای خودخواهی های خود دوست به خشونت می زند تا ثروت و قدرت داشته باشد و دست آورد. از آن جا که انسانها قانع نیستند شادان انواع میاها هستند که همگی تشکیل شده تا جولوگویی زیاده خواهی آدمها باشند. انسانهایی که دست به کشتار می زنند حیوانات می تواند از پنجره های روه بهشت نگاه کنند.

سا باید یاد بگیریم که نسبت به دیگران اصفال داشته باشیم و عدالت را در رفتارها و تصمیمات لحاظ کنیم تا باعث پامال شدن حق نشویم. جهان بهتر جایی است که کسی به دیگری آسیب نرساند. جهانی که در آن بر است از رنگهای شاد و متنوع و تنها صدای شادی است نه صدای میب و موسک تا از خانه ها خوراها خاک بجا بگذارد و آدمهای ساکن در آن راه کنه بی گناهی به صلح برگ برند.



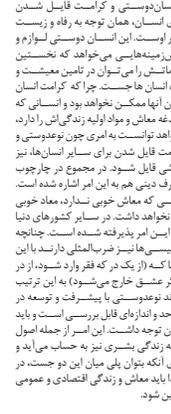
## جامعه توانمند

### توسعه در گرو انسان دوستی



انسان دوستی، ریشه های به قدمت تاریخ زندگی بشر دارد و همواره در روابط تمامی اقوام بشری می توان این امر را مشاهده کرد. در کنار مفهومی قدیمی چون انسان دوستی، مفهومی چون انسان محوری نیز به وجود آمده که به نوبه ای با مفاهیمی مانند حقوق بشر و ... توسعه دانسته می شود. به هر روی همچنانکه این انسان دوستی دارای ارزش است، انسان محوری به اصولی تا کید قامت بشر دوستی گسترده شده است. توسعه در انسان دوستی، گامی گسترده و وسیع است و در کنار تلاشها، سیاستمداران، امروزه، ادیان و ... کلامی می توان این نگاه را دید. در کل انسان دوستی مفهومی است که سببهای اخلاقی دارد و از این رو مذاهب و نحله های فلسفی نیز همواره در این زمینه پیوسته قدم برداشته اند. با این وجود، نسبت به انسان دوستی، به پیشرفت در جامع امروز نیز، خود محل بحث است. نکته ای که بسیاری از صاحب نظران نیز، بر آن تاکید دارند، این است که لازم است تا به تعریف توسعه از توسعه قدیم، هدف توسعه انسان است و این خود انسان است که موجب توسعه افراد می برد و نیروی مازاری عامل ایجاد آن نیست. در نتیجه نقطه عطف شکل گیری آن هم باید از گفتمان انسانی کنار کند. انسان به خاطر داشتن زندگی بهتر از سویی و از سویی دیگر به دلیل دستیابی به رفاه و امکانات، توسعه را محور قرار می دهد. هر چند این مفهوم با اندیشه تکامل در قرون جدید پیوند نهاده و رنگ و بوی مدرن و نوگرا دارد اما در نهایت در پیشرفت جامع باید انسان دوستی مورد توجه قرار گیرد و نه انسان محوری، چرا که مفهوم انسان محوری، تا حدی شامل نگاه غیر مذهبی است و بسیاری از آن را با مفهوم «وامتساز» و بسیاری از دانشمندان نیز با این یکدیگر تمیز داده شوند. تا از بار منفی این انسان محوری نیز کاسته شود. حال آنچه مطرح است و بسیاری دنبال پاسخی برای آن هستند، این نکته است که چگونه می توان میان انسان دوستی و توسعه و پیشرفت، ارتباط ایجاد کرد.

انسان دوستی و کرامت قابل شدن برای انسان، همان توجه به رفاه و زیست بهتر اوست. این انسان دوستی سوازم و پیش زمینه های می خواهد که نخستین الزاماتش را می توان در تأمین معیشت و رفاه انسان ها جست. چرا که کرامت انسان بدون آنها ممکن نخواهد بود و انسانی که ندیده معاش و مواد اولیه زندگی اش را دارد نخواهد توانست به امری چون نوع دوستی و کرامت قابل شدن برای سایر انسانها، نیز ارزش قابل شود. در مجموع در چارچوب معارف دینی هم به این امر اشاره شده است. کسی که معاش خوبی ندارد، معاد خوبی هم نخواهد داشت. در سراسر کشورهای دنیا هم این امر پذیرفته شده است. چنانچه انگلیسی ها نیز بر همین المثل تأکید دارند. این معنا که از یک پدر که فقر وارد شود، از دیگر شوق خارج می شود. به این ترتیب پیوند نوع دوستی با پیشرفت و توسعه در هر حد و اندازه ای قابل بررسی است و باید به آن توجه داشت. این امر از جمله اصول اولیه زندگی بشری نیز به حساب می آید و برای آنکه بتوان پلی میان این دو جست، در ابتدا باید معاش و زندگی اقتصادی و عمومی تأمین شود.



## از تین گفت و گو

• بدون تردید دیده «توسعه ناموزون» همچنان ویژگی ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران را معاصر است. ساختار سیاسی دولت «ترانسیتورفتی» از یک طرف و از طرف دیگر ساختار سلفه سیاست جهانی که تحریم های اقتصادی ظالمانه را بر مردم ایران تحمیل کرده و سایه جنگ و ناامنی را بر منطقه خاورمیانه افکنده است به طور همزمان به تشدید عارضه «توسعه ناموزون» انجامیده است.

• می دانیم که بنده های اجتماعی در یک رابطه دالکتیکی و بویا در تعامل با متغیرهای سیاسی اقتصادی فرهنگی هستند. کنعاملی نیستند شکاف فصل ها وضع اقتصادی، تحولات ساختاری عمیق اما از آرم در ارزش های فرهنگی و اخلاق جنسی، دگر دینی در مفهوم و واقعیت خانواده، بحران اقتدار و مشروعیت منابع سنتی فرهنگی و پذیرش نکر و تنوع نظام های متنوع ارزشی می توانند بخشی از بحران ها و تغییرات اجتماعی و فرهنگی آیین کنند.

• بحران در سرمایه «اقتصاد اجتماعی» حتما بدون ارتباط با فساد اقتصادی و اختلاس های گسترده میلیاردی، تقلب و تدلیس در ساختار نیست

• حقیقت این است که نه دموکراسی و حقوق بشر ارزش های غربی است، و نه اقتدار گرایی، پدرسالاری و الیگارشزی قومی ارزش های شرقی. راه دیگر، سنتی از ارزش های جهانی کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که در قالب نهاد های خاص فرهنگی و ملی یک ملت تجلی می یابد.

• اگر سیاست در ساختار کلان به گفت و گو، تعامل و دیالوگ معنی دار اهمیت دهد، آثار آن را در روابط اجتماعی و عرصه های مدنی نیز می توان دید. و اگر زیست اخلاقی و معنویت را به ظاهر گرایی تقلیل ندهد، آنگاه ریساز هدر رفتن و دروغ در عرصه اجتماعی به صورت مستقیم تا یک باز تولید نمی شوند. ادامه در صفحه ۱۱۰



